فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۳٦٦-۳٦۳ New Period, No 17, 2019, P 363-366
شماره شاپا (۷۰۱۸-۲٤۷٦) ISSN (2476-7018)

اهمیت بیداری شب و سحر خیزی از نظر خواجه حافظ شیرازی

یونس رضائی
younessrezaei@gmail.com

چکیده
تردیدی نیست که در آیات قرآن شریف و احادیث معصومین (ع) و سخنان بزرگان اهل کمال، تاکید بسیار به بیداری شب و سحر خیزی شده. غرض ما در این مقاله، توجه دادن خوانندگان عزیز است به بیانات خواجه درباره این دو امر، تا آنانکه در طلب کمالات انسانی هستند، تشویق و ترغیب بیشتری شده، و بدانند که بدون بیداری شب و سحر خیزی ممکن نیست کسی مورد الطاف الهی قرار گیرد و به جایی برسد.
واژه‌های کلیدی: حافظ شیرازی، سحر خیزی، بیداری شب، نماز شب

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

بزرگان فرموده‌اند، کسانی که از مقامات دین به جائی رسیده‌اند همه‌شان از شب‌خیزان بوده‌اند و از غیر آنها دیده نشده است. و فضیلت تهّجد و قیام لیل و گریه و ندبهٔ از خوف خدا و شوق او جل جلاله و نماز شب را اگر بخواهی اخبار و آیات وارده دراین باب زیاد است که ما مختصری را از آن ذکر می‌کنیم تا موجب تذکر برای طالبان آن باشد. از جمله روایات، روایتی است که از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: از جمله آن چه خدای تعالی به موسی بن عمران وحی فرمود این است که فرمود: دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌کند که مرا دوست می‌دارد ولی چون شب او را فرامی‌گیرد از من غافل شده و بخواب می‌رود، ای پسر عمران اگر ببینی کسانی را که در تاریکی شب به خاطر من به پای ایستند و من خود را در مقابل چشمان آنان ممثل نموده‌ام و آنان با من مخاطبه می‌کنند در حالیکه من بالاتر از آنم که دیده شوم و با من سخن می‌گویند در حالی که من عزیزتر از آنم که نزد کسی حضور یابم، ای پسر عمران به خاطر من از دیده اشک و از دل خشوع و از تنت خضوع را به پیشگاه من بیار و آنگاه مرا در تاریکی شب‌ها بخوان که مرا نزدیک و پاسخگو خواهی یافت. از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که شرافت مؤمن نماز شب خواندن او است. و همچنین روایت شده است هنگامیکه خدای تعالی اولین و آخرین را گردهم می‌آورد، ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد کسانی که پهلویشان از بسترها تهی می‌شد و پرودگارشان را امیدوارانه می‌خواندند به پا خیزند، سپس برمی‌خیزند کسانی که اندک باشند و سپس از آنکه به حساب آنان رسیدگی شد، به حساب مردم می‌رسند.

خواجه در موارد متعددّی از ابیات غرلیّاتش به اهمّیت بیداری شب و سحرخیزی و اثرات آن و نیز در نکوهش خواب صبحدم اشاره نموده و می‌گوید:

۱- همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی — به پیام آشنایی، بنوازد آشنا را
۲- نخفته‌ام به خیالی که می‌پزم شبها — خمار صد شبه دارم شرابخانه کجاست؟
ندای عشق تو دوشم دراندرون دادند — فضای سینهٔ حافظ، هنوز پر ز صداست
۳- مرغ شبخوان را بشارت باده کاندر راهِ عشق — دوست را، با نالهٔ شبهای بیداران خوش است
۴- مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول — ز وِرد نیمشب و درس صبحگاه رسید
۵- دلا! بسوز که سوزِ تو کارها بکند — دعای نیمه شبی، دفع صد بلا بکند
۶- دوش، وقت سحر اط غصّه نجاتم دادند — واندر آن ظلمت شب، آب حیاتم دادند.
۷- آن زمان، وقتِ میِ صبح فروغ است، — که شب گِرد خرگاهِ اُفق، پردهٔ شام اندازد
۸- خوشش بادا نسیم صبحگاهی! — که درد شب نشینان را دوا کرد
۹- سرمکش حافظ! زآه نیم شب — تا چو صبحت، آینه تابان کنند
۱۰- تا مگر همچو صبا، باز به زلف تو رِسَم — حاصلم دوش، بجز نالهٔ شبگیر نبود
۱۱- هر گنج سعادت، که خدا داد به حافظ — از یُمنِ دعای شب و وِرد سحری بود
۱۲- به بوی مژدهٔ وصل تو تا سحر، همه شب — به راهِ باد نهادم، چراغ روشن چشم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

۱۳- پاسبان حرم دل شده‌ام، شب همه شب — بو که سیری بکند آن مه ناکاسته‌ام
۱۴- سزای قدر تو شاها! به دست حافظ نیست — بجز نیاز شبی و دعای صبحدمی
۱۵- مِی صَبوح و شِکر خواب صبحدم تا چند؟ — به عُذر نیم شبی گوش و نالهٔ سحری
مرا در این ظلمات، آنکه رهنمایی داد — دعای نیمه شبی بود و گریهٔ سحری
۱۶- به خدا، که جرعه‌ای ده، تو به حافظ سحر خیز — که دعای صبحگاهی، اثری دهد شما را
۱۷- زبخت خفته ملولم، بُوَد که بیداری — به وقت فاتحهٔ صبح یک دعا بکند
۱۸- بس‌ام حکایتِ دل هست با نسیم سحریولی — به بخت من امشب سحر نمی‌آید
۱۹- سرشک گوشه گیران را چو دَریابند، دُر یابند
رخ از مهر سحرخیزان نگردانند اگر رازی
۲۰- سحرم دولت بیدار به بالین آمد — گفت: برخیز که آن خسرو شیرین آمد

و در مواردی دیگر به نتایجی که خود از سحرخیزی به دست آورده، اشاره کرده و می‌گوید:

۱- صبا و قت سحر، بویی ز زلف یار می‌آید — دل شوریدهٔ ما را زنور در کار می‌آورد
ز رشک تار زلف یار، بر یاد سحر می‌داد — صبا، هرنافهٔ مشکی که از تاتار می‌آورد
فروغِ ماه می‌دیدم، زبام قصر او روشن — که روی از شرم او، خورشید بر دیوار می‌آورد
عفی الله! چین ابرویش اگر چه تا توانم کرد — به رحمت هم پیامی، بر سر بیمار می‌آید
۲- صوفی ما، که زِ وردِ سحری مست شدی — شامگاهش، نگران باش، که سرخوش باشد
۳- صبح خیزیَ و سلامت طلبی چون حافظ — هر چه کردم، همه از دولت قرآن کردم
۴- پس دعای سحرت، حافظِ جان خواهد بود — تو که چون حافظ شب خیز، غلامی داری
۵- ز پردهٔ نالهٔ حافظ برون کِی افتادی؟ — اگر نه همدم مرغانِ صبح خوان

از مجموع گفتار خواجه شیراز معلوم می‌شود، نقش بیداری شب و سحر خیزی را برای خود و سالکین چگونه برداشت نموده است. امید است خوانندگان عزیز،تنها به گفتار شیرین خواجه در بیان حقایق و ظرافت شعری و غیره اکتفا نکرده،و به راهنماییهای وی برای رسیدن به کمالات انسانی،گوش جان سپرده و بدان عمل بنمایند،تا شاید دری از کمالات انسانیت در این عالم به رویشان گشوده گردد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

فهرست منابع و مآخذ

ـ دیوان خواجه حافظ شیرازی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]